

## بازشناخت اصالت و حفاظت از منظر حکمت فلسفه ایران باستان (آئین زرتشت)

منصوره نظارتی زاده  

دکتری حفاظت و مرمت، کارشناس عالی حفاظت و مرمت، وزارت میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، لرستان، ایران.

**چکیده:** مفهوم اصالت، متغیری پویا و وابسته به زمان، مکان، زمینه فرهنگی، نیازهای اجتماعی، تنوع فرهنگی، میراث بومی، جوامع محلی و ذینفعان است. این مفهوم عمیقاً با حفظ و نگهداری میراث فرهنگی در ارتباط است. ارزیابی مجدد این مفهوم از منظر فرهنگ ایرانی - اسلامی، به ویژه در حوزه مداخله و مرمت آثار تاریخی و هنری، می تواند نقش اساسی در شکل گیری رویکردی بومی به حفاظت از میراث داشته باشد. پژوهش حاضر با هدف تبیین مؤلفه های اصالت و حفاظت از منظر آئین زرتشت انجام شده است. به گونه ای که اصول برگرفته از این آموزه بتواند به عنوان مبنایی برای احیای اصالت در فرآیندهای حفاظت و مرمت عمل کند. این پژوهش با روش شناسی استقرایی و بر اساس تحلیل متون زرتشتی، با تأکید ویژه بر گاتها (سرودهای مقدس منسوب به زرتشت) انجام شده است. نتایج نشان داد که اگرچه اصطلاح «اصالت» به صراحت در متون زرتشتی ذکر نشده است، اما می توان اصول مرتبط با اصالت را از این آموزه استخراج کرد. بر این اساس، مؤلفه های اصالت در آئین زرتشت را می توان به شرح زیر شناسایی کرد: اصالت و تداوم (سیر استکمالی)، اصالت و ارزش های ملموس و ناملموس، اصالت منشأ، اصالت و یکپارچگی، اصالت و نظم، اصالت روش ساخت، اصالت تغییر و اصالت ایده و خلاقیت. در مقابل، مفهوم حفاظت به صراحت در متون اوستا مورد توجه قرار گرفته است، جایی که از طریق اصطلاحاتی مانند حفاظت، پاسداری، مراقبت و نگهداری بیان می شود. این متون همچنین شامل دستورالعمل هایی در مورد تطهیر، حفاظت از عناصر طبیعی و حفظ فلزات از آلودگی و خوردگی هستند که منعکس کننده دیدگاه عمیق زرتشتی در مورد حفاظت به عنوان یک وظیفه دینی است. در نهایت، این یافته ها مبنایی برای تدوین یک چارچوب بومی برای حفاظت و مرمت آثار باستانی ایرانی - اسلامی، مبتنی بر ارزش ها و اصول زرتشتی، فراهم می کنند.

### کلیدواژگان:

اصالت  
حفاظت  
فلسفه ایران باستان  
آئین زرتشت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰

© ۲۰۲۴/۱۴۰۳ نویسنده (گان). این مقاله یک اثر دسترسی آزاد است که تحت مجوز **CC BY 4.0** منتشر شده است. استناد و انتشار مجدد این اثر با ذکر منبع درست مجاز است.

<https://doi.org/10.22034/hsaj.2025.549404.1006>

### ۱. مقدمه

در حوزه میراث فرهنگی، مفاهیمی چون اصالت و حفاظت همواره در مرکز توجه نظریه ها و رویکردهای مرمتی قرار داشته اند. با این حال این مفاهیم عمدتاً از منظر غربی تعریف شده و کمتر به ریشه های فکری بومی فرهنگ های غیر غربی پرداخته شده است. در ایران، با وجود غنای فکری فلسفه باستان، به ویژه آئین زرتشت، هیچ چارچوب نظری سامان یافته ای برای باز تعریف اصالت و حفاظت بر اساس این میراث فکری تدوین نشده است. این پژوهش با هدف پر کردن این شکاف به دنبال پاسخ به این سوال است که مفهوم اصالت و حفاظت از منظر آئین زرتشت چیست؟ و چگونه می توان از آن به عنوان پایه ای برای تدوین رویکردی بومی در حفاظت از منظر میراث فرهنگی ایران استفاده نمود؟ بر خلاف تصور رایج مبنی بر فقدان فلسفه در ایران باستان، منابع معتبر بین المللی از جمله دائرة المعارف فلسفه آکسفورد، زرتشت را نخستین فیلسوف تاریخ بشر می دانند. این نگاه، امکان بازخوانی متون زرتشتی به ویژه گاتها را به عنوان منبعی غنی برای استخراج اصول فلسفی مرتبط با اصالت و حفاظت فراهم می آورد. در این راستا پژوهش حاضر با تکیه بر تحلیل متون زرتشتی تلاش می کند تا مؤلفه های اصالت و حفاظت را از منظر فلسفه ایران باستان بازشناخته و چارچوبی نظری برای کاربرد آن ارائه دهد.

## ۲. پیشینه پژوهش

تأثیر فلسفه ایران باستان، به‌ویژه آموزه‌های زرتشتی، در شکل‌گیری نظام‌های ارزشی فرهنگی و هنری ایران، همواره مورد توجه پژوهشگران قرار داشته است. بر اساس دائرةالمعارف آکسفورد، تاریخ فلسفه به هندوآریایی‌های ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد باز می‌گردد و زرتشت به‌عنوان نخستین فیلسوف شناخته‌شده تاریخ جهان مطرح است. این اندیشه‌ها پس از آن از طریق یهودیت به اندیشه غربی وارد و در نهایت بر اندیشه افلاطونی تأثیر گذاشته‌اند. این دیدگاه توسط پژوهشگرانی چون مارتین هاوگ<sup>۱</sup> (۱۸۷۶-۱۸۲۷) و اشک دالان<sup>۲</sup>، نیز تأیید شده است. دالان با تأکید بر محتوای فلسفی گاتها، زرتشت را بنیان‌گذار یک جهان‌بینی عقلانی و اخلاق‌محور می‌داند که در آن اشته (راستی و نظم الهی) محور اصلی فلسفه است (دین‌پرست، ۱۴۰۲: الف: ۴۸-۴۹). در حوزه میراث فرهنگی، مفهوم اصالت در اسناد بین‌المللی مانند نارا (۱۹۹۴) به‌عنوان یک اصل پویا و زمینه‌مند تعریف شده است. در ایران، طالبیان (۱۳۸۴) در پژوهشی نشان داد که معادل‌های فارسی «اصالت» شامل واژه‌هایی چون نژادگی، گوهرداری، بن‌داری، دست‌نخوردگی و پایه‌داری است. با این حال، این مطالعات عمدتاً از منظر معماری و میراث مادی انجام شده و کمتر به ریشه‌های فلسفی اصالت در فرهنگ ایرانی - اسلامی پرداخته‌اند. در مقابل، متون زرتشتی به‌ویژه اوستا و گاتها، به‌صورت صریح به مفهوم حفاظت پرداخته‌اند. عروج‌نیا و هوشنگی (۱۳۹۵) با تحلیل این متون نشان دادند که مفاهیمی چون پاکسازی، مراقبت، پاسداری و آبادانی جهان (فرش‌گرد) در آئین زرتشت به‌عنوان وظیفه‌ای دینی و اخلاقی مطرح شده‌اند. در این آئین، ماده برخلاف بسیاری از ادیان ابراهیمی که جهان فانی را زمینه‌ای برای گناه می‌دانند، مقدس تلقی می‌شود، چرا که از سوی اهورامزدا آفریده شده است. با وجود این غنای فکری، هیچ پژوهشی تا کنون به صورت سامان یافته به بازشناخت اصالت و حفاظت از منظر حکمت فلسفه ایران باستان پرداخته است. پژوهش‌هایی مانند مهر (۱۳۸۷)، دین‌پرست (۱۴۰۲) و نظارتی‌زاده (۱۴۰۳) هر یک جنبه‌هایی از این حوزه را بررسی کرده‌اند اما تلفیق فلسفه زرتشتی با مفاهیم میراث‌محور در حوزه حفاظت و مرمت هنوز یک شکاف پژوهشی محسوب می‌شود. این شکاف ضرورت پژوهش حاضر یعنی تدوین یک چارچوب بومی برای حفاظت و مرمت آثار تاریخی ایران، مبتنی بر اصول فلسفه زرتشت که بتواند هم با هویت ایرانی هماهنگ باشد و هم در گفتگوی جهانی میراث فرهنگی معتبر واقع شود تبیین می‌نماید.

## ۳. روش پژوهش

برای دستیابی به نتایج این پژوهش از روش استقرائی بهره برده شده است. استقراء روشی است که در آن از جزء به کل حرکت شده و اطلاعات ارزیابی می‌گردد. در واقع استقراء فرآیندی استدلالی است که با مشاهده و ارزیابی چند واقعه جزئی آغاز می‌شود، سپس به یک نتیجه کلی می‌انجامد (فلیک، ۱۳۸۵). در جریان استقراء محقق به درون فهمی و حرکت به لایه‌های عمیق موضوع حرکت می‌کند از استقرای خام دور شده و به‌نوعی با استفهام پیوند می‌یابد. استفاده از رویکرد استقرایی بیشتر زمانی ضرورت می‌یابد که اطلاعات کافی درباره یک پدیده وجود ندارد و محقق می‌خواهد دانش زمینه‌ای لازم را در این خصوص فراهم کند (Thomas, 1997). این امر بدان معناست که محقق با رجوع به داده‌های مورد مطالعه، به تدریج آنها را خلاصه می‌کند تا در نهایت به اصلی‌ترین مفاهیم و مضامین مرتبط با موضوع تحقیق دست پیدا کند. از این منظر این تحلیل از داده‌های متنی پراکنده حرکت می‌کند و با بیرون کشیدن مفاهیم مستتر در آن به تدریج به سطوح انتزاعی‌تری از متن دست می‌یابد. دستیابی به یک الگو یا چارچوب نظری که نظم‌های نهفته و الگوهای تکرار شونده در متن را نشان دهد می‌تواند پایان بخش تحقیق باشد.

## ۴. دین زرتشت و دین بهی

مزدیسنا (مزدپرستی) که به آن دین زرتشت و دین بهی هم می‌گویند (Skjærvo, 2005) دینی است که از آموزه‌های رهبر دینی ایرانی، زرتشت اسپیتمان، سرچشمه می‌گیرد (Boyd & Donald, 1979). ریشه‌های مزدیسنا به هزاره دوم پیش از میلاد باز می‌گردد. این دین به همراه ادیان مرتبط با آن یا شاخه‌های دیگرش، نظیر مهرپرستی و آیین زروانی، برای بیش از هزار سال، از حدود ۶۰۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد، دین رسمی شاهنشاهی‌های باستانی ایرانی بوده است. اوستا مهمترین کتاب دینی زرتشتیان است. گاتها سروده‌های زرتشت که به شرح جنبه‌های گوناگون دین بهی می‌پردازد را نیز شامل می‌شود (Malandra, 1983). در دوران شاهنشاهی هخامنشی، دین زرتشتی دین دولتی و شامل عبادت رسمی بود. شاهان ایرانی به زرتشتیان پارسا معروف بودند و با قانون «اشه»، حکومت می‌کردند. از زرتشت هفده سروده معروف به گاتها به جای مانده که از آنها می‌توان استنتاج‌های مذهبی و متافیزیکی و اخلاقی به دست آورد. همچنین در متن اوستا نیز موضوعات فلسفی با زمینه‌های دینی و اسطوره‌ای وجود دارد. در فلسفه ایرانی در مقایسه با فلسفه یونانی دین و فلسفه بیشتر در هم تنیده‌اند و فلسفه هیچگاه از عملکردهای اخلاقی جدا نیست<sup>۳</sup>. آئین زرتشت و کتاب مقدس اوستا، به حد فراوانی دارای تعالیم عالی اخلاقی و فلسفی است. در فلسفه زرتشت جهان کامل نیست ولی بسوی کمال پیش می‌رود و انسان‌ها که با این جهان اسرار آمیز سروکار دارند، باید در نیل به این هدف کمک نمایند و در به کمال رسانیدن جهان کوشش کنند (سامی، ۱۳۴۷: ۱۵).

## ۵. بازشناخت اصالت از منظر آئین زرتشت

برای بازشناخت اصالت از منظر آئین زرتشت می‌بایست اصالت از نظر لغوی و مفهومی در ایران باستان بررسی گردد. در واژه‌نامه پارسی - ویکی درباره ریشه این واژه چنین آمده است: این واژه تبارانه، پارسی و پهلوی ست یعنی خودش پارسی نیست ولی ریشه‌اش را (اصل) تازیان (آریان) از واژه پهلوی *Asel* به معنای اول، نخست، ابتدا، برداشته و معرب نموده و ساخته‌اند: *أصل*، *اصیل*، *أصله* و... در پهلوی، *اَریه* / *اَیریَه* / *Erih / irih* نیز به معنای اصالت، نجابت، آریایی بودن، است. گوهر یا *Gohar* نیز به معنای نژاد، اصالت، ذات و گوهریکه *Goharikh* به معنای اصالت‌مندی، *اصیل* / اصلی بودن به کار می‌رفته است. همچنین *اَرتَنیه* *Ertanih* به معنای اصالت، نجابت کاربرد داشته است. *تومایش* یا *Tumayesh* کلمه‌ای از پارسی باستان، مصدری است که از ترکیب *توما* (*Tuma* اصل) و ریشه *اِش* (مصدرساز) به وجود آمده و بر معنای اصالت و اصالت‌مندی دلالت دارد. *آماتایش* *Amatayesh* پهلوی نیز، مصدری است که از ترکیب *آماتا* (اصیل) + *اِش* (مصدرساز) ساخته شده و آن نیز بر اصالت، اشراف زادگی دلالت می‌نماید؛ اما در فرهنگ فارسی بهترین کلمه‌ای که مفهوم (Authenticity) را می‌رساند عبارتند از نژادگی، گوهرداری بن و ریشه داری، مایه‌داری (مادر داری، آزادگی، درستی، دست نخوردگی، پدرداری، حقیقی، ناب، خوش‌اصلی و پایه داری) (طالبیان، ۱۳۸۴). چنانچه داریوش بزرگ در کتیبه بیستون متن فارسی باستان ستون اول، بند ۳ می‌گوید:

ما از دیرباز آزاده بوده‌ایم از دیرباز تخمه ما شاهان بوده‌اند یعنی ما از قدیم اصل و نسب داشتیم و سزاوار فرمانروایی (Kent, 1953: 112). مطالعه گاتها و اوستا روشن می‌سازد که در این متون به اصالت در مفهوم مورد نظر این پژوهش پرداخته نشده است و بعید به نظر می‌رسد که کلمه اصل و اصیل در زمان زرتشت کاربرد داشته باشد چرا که این واژه را تازیان از معرب نمودن واژه پهلوی *اَسل* *Asel* به معنای اول، نخست، ابتدا، برداشته و کلمات *أصل*، *اصیل*، *أصله*، اصول و ... را بر مبنای آن ساخته‌اند. همتایان آن به پارسی، *بونیش* / *Bunish/Bunisht* و در پهلوی: *بونیشیه*، اصالت است. لکن اگر به دور از زمان پریشی گاتها مطالعه و ارزش‌های اشاره شده در میان اصول و آئین دین زرتشت به عنوان ارزش‌های واجد اصالت فرض شود، می‌توان مؤلفه‌هایی مبنی بر اصالت از آئین زرتشت استنتاج نمود.

### ۵.۱. برخی از فروزه‌های اهورائی در آئین زرتشت

پس از بررسی اصول و آئین دین زرتشت، آن بخش که نقشی راهگشا در راستای پاسخ به سؤالات این پژوهش داشتند، انتخاب و ذیلاً بدان پرداخته شده است. برای فهم در خصوص فلسفه ایران باستان که بر آمده از آئین زرتشت است از بررسی اوستا و گاتها مواردی مرتبط با موضوع این پژوهش بیان می‌گردد.

### ۵.۲. اِشه، پویایی (دینامیسم)، تکامل، قانون نظم، راستی و داد

در اوستا مفاهیمی به چشم می‌خورد که می‌تواند فلسفه اندیشه زرتشت را برای ما آشکار سازد. برجسته‌ترین این مفاهیم *اِشه* "Asha" نظم الاهی، نظم و قانون راستین است. در گاتها، از نظرگاه اندیشه زرتشت، این یک اصطلاح کلیدی است، یک اصطلاح کاملاً فنی که زرتشت در طیفی گسترده از آن سخن می‌گوید و بنیاد جهان بینی اخلاقی و فلسفی ایرانیان بر آن تکیه دارد و زرتشت به آن مفهومی وسیع بخشید. *اِشه* به معنای راستی، درستی، دادگری و حقیقت است و این واژه اهورایی معادل دارمای سانسکریت است. *اِشه*، در زبان اوستایی فاضل تمام کلمات نیک است (بلخاری، ۱۴۰۰). در هنر ایرانی و پس از آن هنر اسلامی، آثار هنری نیز فاضل تمام کلمات نیک بوده، نظم و تکرار در این هنرها به چشم می‌خورد. شاید بتوان گفت حضور همیشگی نظم و هندسه در هنر ایران باستان ریشه در این اندیشه دارد. (اصالت و نظم)

در میان فروزه‌های اهورایی، *اِشه* پس از *خرد*، نام برده شده است و گاتها بیش از *خرد* و همه فروزه‌های دیگر *خدایی*، از *اِشه* نام برده است. *اِشه*، قانون راستی و داد است. عمل به راستی در اندیشه، گفتار و کردار، دادگری است. هیچ کنشی راست نیست مگر آن که با قانون *اِشه* سازگار باشد. آن قانونی که از روی راستی فراهم نشده و دادگستری را استواری نبخشد، قانون نیست. *اِشه*، همچنین پویایی تکامل را نشان می‌دهد. اندیشه گفتار و کردار سازگار با *اِشه*، جهان را پیشرفت می‌دهد و کننده کار را خوشبخت و شادمان می‌کند. *دوشن گویمن*، *خدا*، *خرد* و راستی را تئلیث روحانی در دین زرتشتی نامیده است. شوربختانه هیچ واژه فارسی که گوید *اِشه*، باشد وجود ندارد، از این رو باید آن را شناخت، به کاربرد و شناساند (مهر، ۱۳۸۷: ۶۰). فلسفه زرتشت حول محور تکامل و پیشرفت می‌چرخد. او *اِشه* را حرکتی پویا و پیشرونده می‌داند. (اصالت و سیر استکمالی)

*اِشه* نهادی است که همه چیز را بهم پیوند می‌دهد و همزمان در انتظار تحقق یافتن است. جالب است که واژه *اِشه* از ریشه فعل «آر» به معنی «یکپارچه کردن» می‌آید. *اِشه*، نهادی است که همه چیز را متحد می‌کند و از این رو آن را به کمال می‌رساند (دین‌پرست، ۱۴۰۲: ب: ۶۴). (اصالت و تمامیت)

*اِشه*، چکیده دین زرتشتی است. قانون علت و معلول است که هنجار اهورایی اخلاقی و اجتماعی را در آفرینش سامان می‌دهد. *اِشه*، هم قانون طبیعی و هم قانون الهی است. قانونی دگرگونی ناپذیر ازلی و ابدی است. *خدا اِشه* است و *اِشه* خواست (مشیت) *خدایی* را نشان می‌دهد. بنا به گاتها، خواست اهورامزدا و *اِشه* یکی است (مهر، ۱۳۸۷: ۶۱). نظام هستی و پیشرفت بنابر قانون دگرگونی ناپذیر *اِشه*، پیوسته در جریان است. سراسر کائنات

بر طبق قانون مسلم اشته، در سیر نشو و ارتقا است. کائنات به سوی یک مقصد کمال نامرئی و غیر معلومی در ترقی است. ممکن است این جنبش و سیر ترقی همواره یکسان و هموار صورت نگیرد و شاید بارها رشته این سیر قطع گردیده باشد لکن، وجود چنین سیری به سوی تکامل پذیرفته و آن را جزئی از نقشه بزرگ عالم می‌شمارد (ایرانی، ۱۳۱۱: ۹)؛ بنابراین تغییرهایی که در گذر زمان صورت می‌گیرد از این منظر اصیل است. (اصالت تغییر) اهورامزدا، جهان و آدمیان را در خرد (وهومن) پدید آورد، در وجدان (دانا) شکل داده در سازندگی (سپنتامینیو) نمود خارجی بخشید و در راه راستی و داد (اشه) پیشرفت داد. با آرامش و مهر (آرمیتی) هم آهنگی بخشید تا با نیروی اهورایی و خوبی (خشترا) به رسایی (هاروتات) و جاودانی (آمرتات) برسند (مهر، ۱۳۸۷: ۲۷). در اوستا امرتات و هاروات بیشتر جاها با هم آمده‌اند و این نشانه آن است که راه رسیدن به بی‌مرگی قائل شدن به کمال و رسائی و خودشناسی است. این عبارات، روشنگر اعتقاد به سیر استکمالی در آئین زرتشت است. (اصالت و سیر استکمالی)

### ۵.۳. مفاهیم کلی قانون اشته: آزادی و اختیار

آزادی جزئی مهم از ارزشمندترین قانون اشته اهورایی است. ریشه‌های این آزادی در اصول اخلاقی گاتها و در رابطه بین خالق و مخلوق است. خرد، رشته‌ای است که اصول گاتها را به هم پیوند می‌دهد. آدمی در تصویر اخلاقی اهورامزدا خلق شده است. معنای آن این است که اهورامزدا و آدمی در فروهه‌هایی مشترک‌اند. یکی از آنها آزادی و اختیار است. اهورامزدا خرد است و به همه آدمیان خرد، ارزانی کرده است تا در کارها با آن رایزنی کنند. تقلید و پیروی کورکورانه در سنت زرتشتی نیست. (اصالت خلاقیت) گاتها، همه جا سفارش می‌کند که از خرد در امور چاره‌جویی شود. در درون این کارگاه بزرگ آفرینش در جریان این پویایی و جنبش نایستنا، آدمی وظیفه ویژه‌ای دارد. او به عنوان همکار اهورامزدا باید در پیشرفت جهان و آفرینش کار و کوشش کند (مهر، ۱۳۸۷: ۴۴). آدمی می‌تواند با خرد، راستی، داد و مهرورزی به توانایی سازنده دست یافته و با آن توانایی به کمال و رسایی و سرانجام به جاودانی برسد. (خلق و ساختن، همکاری با اهورامزدا)، (اصالت خلق)

در زبان همگانی، هر تولید و اختراعی آفرینش (خلق) است. در عرف مادّی، ملاک خلاقیت، سازندگی یا ویرانگری نیست. ولی در دین زردشتی تنها نوع سازندگی، آفرینش است. در زبان زرتشتی، نوآوری ویرانگر را انگره‌مینوی و نوآوری سازنده را سپنتامینیو می‌خوانند (مهر، ۱۳۸۷: ۴۱). آفرینش در سنت زرتشتی دهممندی و سازندگی اهورامزدا است و از این رو شاید «نشأت» به آن نزدیکتر باشد تا خلقت. خداوند جهان و موجودات را شکل داده است (مهر، ۱۳۸۷: ۶۵). اهورامزدا سازنده است نه ویرانگر. از این رو خلق هراثر توسط انسان، امری در راستای سازندگی، خدای‌گونه و منطبق بر اشته است. بر اساس آئین زرتشتی آدمی اختیار دارد که ویرانگر باشد. از آنجایی که ویران نمودن منطبق با اشته نیست ویرانی هر مخلوقی (چه خلق انسانی و چه خلق خدایی) به دست انسان هرچند بنا به اختیار انسان ممکن است، اما نکوهیده و ناپسند و خلاف اشته. این موضوع در مورد آثار (هنری - کاربردی) نیز صادق است. (اصالت خلق یا منشاء)، (نکوهش ویرانی و تخریب)

از جهت رابطه آفریننده و آفریده، انسان همکار خداوند است و این همکاری از این روست که خداوند پرتوی از قدرت اخلاقی خود را در آدمیان به ودیعه گذاشته است و آدمی را در تصویر اخلاقی خود خلق کرده است. البته انسان می‌تواند از همکاری خداوند سرپیچی کند. در اسلام انسان عبدالله است. در مسیحیت انسان فرزند خداست لکن در دین زرتشت انسان همکار خداست و به همین جهت بین خداوند و انسان به جای حق مالکیت و یا حق آبت، حق مشارکت وجود دارد. این آزادی به انسان اجازه می‌دهد که اگر بخواهد طبق قانون اشته، در راه پیشرفت جهان به سوی رسایی کار کند و یا آنکه بر خلاف قانون اشته کار کرده، خود را از راستی بیگانه کند و بدبختی ببیند (مهر، ۱۳۸۷: ۶۵). بر اساس این آموزه است که کتیبه داریوش در بهستان دقیقاً بیان می‌کند که:

داریوش پادشاه گوید، اگر تو این کتیبه کارهای مرا خراب نکنی و آنرا نگاهداری اهورا مزدا یار تو باد و دارای اولادان زیبای شوی و زندگانی تو

طولانی باد ....

داریوش پادشاه گوید: آنچه را من به انجام رسانیدم، من خود بخواست اهورا مزدا بجا آوردم، اهورا مزدا مرا یاری کرد.

داریوش پادشاه گوید: اهورا مزدا مرا یاری کرد زیرا که من خود عهدشکن، دروغگو و ظالم نبودم.

خانواده من کار خود را کامل ساختند، به‌وسیله ملتی قانون شناس و به واسطه آنکه دروغ و ظلم را برافکندند.

داریوش پادشاه گوید: توای کسی که در آتیه در اینجا سلطنت خواهی کرد دروغگو و سرکش را می‌پرور بلکه بکلی آنها را تباه ساز.

داریوش پادشاه گوید: تو ای کسی که بعد از من پادشاه خواهی شد، کتیبه مرا بخوان و نقش آن را بنگر و آنها را حفظ کن تا خودت محفوظ مانی.

داریوش پادشاه گوید: اگر تو این کتیبه‌ها را زیان مرسانی و آنرا حفظ نمایی اهورامزدا تو را یاری کند و به تو فرزندان متعدد بخشد و به تو زندگانی

دراز عطا کند و اهورا مزدا صفحه‌ای از اعمال تو محفوظ بدارد (ایرانی، ۱۳۴۴: ۹۲)

در دین زرتشت، خداوند انسان را آفریده و به او «وارن» یا آزادی‌گزینش داده تا با بهره‌برداری از خرد نیک «وهومن» به راستی گراید و در پیشرفت جهان و آفرینش همکار اهورامزدا باشد. حرکت به سوی رسایی و رسا شدن فرجامین، بخشی از ذات پویایی آفرینش است (مهر، ۱۳۸۷: ۵۵) بر اساس همین آزادی و اختیار است که داریوش پادشاه تصمیم می‌گیرد که طبق قانون اشته، در راه پیشرفت جهان به سوی رسائی کار کند و بیان دارد که هرآنکس که برخلاف آن کند، خود را از راستی بیگانه کرده و بدبختی ببیند. این گونه است که در آئین زرتشت خلق (اثر هنری یا کاربردی)

کاری خدای گونه و منطبق با اشته است و از آنجایی که ویرانی و تخریب خلاف اشته، آبادی و خلق است، نکوهیده و ناپسند بوده و کار کسانی است که از همکاری خدا سرپیچی نموده. در مقابل حفاظت از آن مایه محفوظ ماندن در نزد اهورامزدا است. (توصیه به حفاظت)

#### ۵.۴. تکامل و نوخواهی

اشه، قانون پیشرفت و تکامل است. تجددخواهی، کوشش در راه نو شدن جهان (فرش کرت) لازمه اشته است. یکی از دشواری‌هایی که بنیادگرایان در سایر ادیان با آن روبرو هستند تجددخواهی است. آنان مدعی هستند که هر تغییر و تجددخواهی که سنت مذهب را به هم بزند ابداع و باطل است. موارد مثال زیاد است. اشته، قانون تکامل است. پیشرفت علم و تکنولوژی لازمه اشته است. پذیرش پیشرفت و تجددخواهی، دینداری است مشروط بر آن که اختراعات و کشفیات در راه آبادانی و پیشرفت و خوشبختی مردمان به کار رود. اشته، سازندگی است نه ویرانگری. دو اصل پویایی آفرینش (سپنتامینیو) و پویایی پیشرفت (اشه)، تجددخواهی را جزء جدا نشدنی از سنت زرتشتی کرده‌اند (مهر، ۱۳۸۷: ۷۲). در این آئین پیشرفت، صنعتی شدن عمران و آبادانی بوده و هست. هرچند طبق مطالب فوق هر نوع ویرانگری مخالف اشته است لکن با این نگاه، نوسازی و بازسازی خلق‌های پیشین اگر در راستای پیشرفت، عمران و آبادانی باشد پسندیده است. (رویکرد به بازسازی و باز زنده سازی)

#### ۵.۵. اهمیت ماده

اهورامزدا را تنها از راه فروزه‌هایش می‌توان شناخت. او دهنده خوبی‌هاست و بدی در آستان او راه ندارد. او سازنده است و ویرانی نمی‌شناسد. او از هستی خود می‌دهد و پدید می‌آورد. او گوهر و دهنده خرد، راستی و داد، آرامش و مهر، نیروی برگزیده و شهریار اهورایی، رسایی و فراگیری، جاودانی و بی‌مرگی است. آفرینندگی، دهنندگی و سازندگی یک فراگرد پویا و در فروزه سپنتامینیو همیشه با اهورامزدا بوده و هست. سپنتا مینیو نشانگر دهنندگی اهورا مزدا است. نشأت همه خوبی‌ها از اهورا مزدا است و هر چه داده‌ی اهورامزدا است، نیکوست. در دین زرتشت هر آن چه که داده‌ی خداست پاک و دوست داشتنی است و مسبب جمیع اسباب مادّی و معنوی یک وجود مطلق لایتناهی است (ایرانی، ۱۳۱۱: ۹).

از این روست که ماده، داده اهورامزدا و مقدس است. تفاوت زیادی است میان دین‌هایی که ماده و تن را شیطانی می‌دانند و زرتشتیان که ماده را بخشش خدایی و در خور حمایت می‌شمردند. این انسان است که نباید ماده را در راه نادرست به کار برد. پس بر اساس آئین زرتشت ماده از آنجا که داده اهورامزداست مقدس است و همه‌ی مردمان می‌بایست در مقام امین، در حفظ آن بکوشند چراکه ارج گذاری به عناصر طبیعی، اقرار به عظمت خداوندی و دینداری است (مهر، ۱۳۸۷: ۷۰). (تقدس ماده از آن جهت که داده اهورامزداست)، (حفظ ماده در مقام امین)

#### ۵.۶. دو گانگی ماده و ایده

در فلسفه اصطلاح دوگانگی در موارد چندی به کار برده می‌شود. معمول‌ترین آن دوگانگی روان و بدن یا اندیشه و ماده است. آنان که باور دارند که ماده و اندیشه با تن و روان دو چیز کاملاً مختلف‌اند، از این بابت دوگانه‌گرا هستند و آنان که معتقدند، تنها ماده، یا تنها روان (ایده یا اندیشه) هستی دارد، یگانه‌گرا هستند. اشوزرتشت در گاتها از چیزهای نادیدنی (مینوی یا مینوگ) و دیدنی (ماده یا گتیگ) سخن گفت. او همچنین در روان آدمی (اوروان) و تن (تنو) را شناسایی کرد. از این رو در دین زرتشت به ظاهر دوگانگی از این نوع پذیرفته شده است؛ ولی اگر به درستی بنگریم، اشو زرتشت در عین تمیز روان، از تن (بُعد معنوی از بُعد مادّی) آنها را به هم در آمیخته می‌بیند. روان و تن در تظاهر خارجی روی یکدیگر آنچنان تأثیر دارند که از هم جدا شدنی نیستند. تنها پس از فساد تن است که روان باقی می‌ماند و از تن جدا می‌شود.

فیثاغورث که پیش از افلاطون می‌زیسته است<sup>۴</sup> از نظریه دوگانگی روان و تن و نیز تناسخ روان جانبداری می‌کرد. افلاطون که بی‌گمان با مکتب زرتشت آشنایی داشته است از چیزهای نادیدنی (فرم یا ایده) و ماده صحبت می‌کند. جهان ماده با حواس قابل درک است ولی جهان ایده با حواس شناختنی نیست. در آئین زرتشت، علت امور مادّی در امور معنوی است... و یا به عبارت دیگر جهان مادّی اثر جهان معنوی (روان) و جهان معنوی علت جهان مادّی است (مهر، ۱۳۸۷: ۸۳). (درآمیختگی بُعد مادّی و معنوی)

از این روست که شیوه ستایش زرتشتیان دارای عالی‌ترین فلسفه روحانی و اخلاقی است زیرا در مذهب زرتشت ستایش یعنی شناختن همه نیکی‌ها و زیبایی‌های صوری و معنوی. نه تنها آثار طبیعت بلکه جمیع آثار صنایع مستظرفه نیز قادر است که روح و احساسات یک زرتشتی را به هیجان آورده، متوجه معبود خود سازد زیرا در آئین زرتشت به ستایش هر چیز نیک و زیبا و سود رسان دستور داده شده است (ایرانی، ۱۳۱۱: ۵۸). (اصالت زیبایی)

#### ۵. ایده قبل از ماده

بنا به برخی نوشته‌های پهلوی خداوند جهان را در دو مرحله آفرید. مرحله اول خداوند همه چیز را به صورت اندیشه و غیر ملموس «مینوگ» به وجود آورد و در مرحله دوم آن را به صورت مادّی ملموس و دنیایی، «گتیگ» خلق کرد؛ بنابراین عمل آفرینش در بندهشن، ترکیبی از دو مرحله «دادن یا نشأت» و یا «ساختن یا شکل دادن» است. از نظر زرتشت مینوگ و گتیگ هر دو واقعیت دارند ولی مینوگ، هستی ابدی دارد و در حالی که گتیگ

تظاهر محدود در زمان و فضا کوتاه و زود گذر است. یک نظر فلسفی که در ایران باستان وجود داشته آفرینش جهان به صورت مثالی یا جهان فروهری بوده است. به این معنی که اهورامزدا نخست جهان مینوی را از گوهر مینوی خود پدید آورد که مثال کاملی از جهان مادی بود. این جهان مینوی همان جهان فرهوشی یا جهان فروهری است. هستی جهان فروهری بدون جهان مادی سه هزار سال بود. در آغاز سه هزاره‌ی دوم جهان مادی که تجسم خارجی فروهرها باشند، پدید آمدند. بنا به نوشته‌های پهلوی، زمان به دوره‌های گوناگون بخش می‌شود. جهان مادی پس از دوازده هزار سال تازه شده و تغییر شکل می‌دهد<sup>۵</sup> (مهر، ۱۳۸۷: ۴۷-۴۸). (اصالت تغییر)

جهانی که زرتشت از آن و تازه شدن و تغییر شکلش یاد می‌کند، علی‌رغم سیر استکمالی و زوال ماده، همچنان پابرجاست که این نشان از پویایی ماده دارد. بر این اساس ابتدا ایده یا مُثُل شکل گرفته سپس صورت ماده یافته است. پس می‌توان دریافت که ایده بر ماده مقدم است. از آنجایی که طبق قانون اِشه، سیر استکمالی بر اثر جاری است، ماده میرا و زوال پذیر است لکن روح یا ایده مانا و پایاست. تغییر شکل دادن ماده علاوه بر زوال، نشان از پویایی آن دارد (تقدم ایده بر ماده)، (مانائی ایده، پویائی ماده)، (اصالت تغییر)

## ۶. مؤلفه‌های اصالت از منظر آئین زرتشت

چنانچه در ابتدای بحث نیز بدان اشاره شد، در این فلسفه کهن، به صراحت در خصوص موضوع مورد مطالعه در این پژوهش سخنی بیان نشده است لکن با بررسی آنچه در سطور فوق از آئین زرتشت و اصول حاکم بر آن بیان شد و بر اساس فرض پذیرفته شده (در همین پژوهش)، می‌توان برای پاسخ سوالات این پژوهش، از طریق تحلیل و استنتاج مواردی را دریافت (شکل ۱):

۱- اِشه، نظم الاهی، نظم و قانون راستین است. هیچ کنشی راست نیست مگر آن که با قانون اِشه سازگار باشد. پس در نتیجه خلق هر اثر (کاربردی - هنری) به عنوان یک کنش، راست نیست مگر اینکه منطبق بر نظم الاهی (اِشه) باشد. پس وجود اِشه در اثر خلق شده، ضامن اصالت آن است. (به نظر می‌رسد حضور همیشگی نظم و هندسه در هنر ایران باستان ریشه در این اندیشه دارد). (اصالت و نظم)

۲- فلسفه زرتشت حول محور تکامل و پیشرفت می‌چرخد. اِشه، قانون پیشرفت و تکامل است. تجددخواهی کوشش در راه نو شدن جهان (فرش کرت) لازمه اِشه است (اصالت و سیر استکمالی)، (اصالت و تداوم)

۳- از نظر فلسفه زرتشت، شاید بارها رشته این سیر تکاملی قطع گردیده باشد لکن وجود چنین سیری به سوی تکامل پذیرفته شده و آن را جزئی از نقشه بزرگ عالم می‌شمارد؛ بنابراین تغییرهایی که در گذر زمان صورت می‌گیرد از این منظر اصیل و پذیرفته شده و امری در راه سیر تکاملی است. (اصالت تغییر)



شکل ۱. بازشناخت اصالت از منظر آئین زرتشت.

بر اساس محتوی عمیق فروزه اهورائی اِشه، می‌توان مؤلفه‌های اصالت در آئین زرتشت را به صورت اصالت و تداوم (سیر استکمالی)، اصالت و ارزش‌های ملموس و ناملموس، اصالت منشاء، اصالت و تمامیت، اصالت و نظم، اصالت روش ساخت، اصالت تغییر، اصالت ایده و خلاقیت، مفروض داشت.

- ۴- اشه، چکیده دین زرتشتی است. از این رو جالب است که واژه اشه از ریشه فعل «آر» به معنی «یکپارچه کردن» می‌آید. اشه نهادی است که همه چیز را متحد می‌کند و از این رو آن را به کمال می‌رساند. (اصالت و تمامیت).
- ۵- در آیین زرتشت خلق، کاری خدایگونه و منطبق با اشه است. از آنجایی که در این آئین، انسان همکار خداوند است پس هر نوع خلق انسانی (اثر هنری یا کاربردی) کاری خدایگونه است. (اصالت خلاقیت)
- ۶- زرتشتیان به ستایش هر چیز نیک و زیبا و سود رسان دستور داده شده‌اند. لذا نه تنها آثار طبیعت بلکه جمیع آثار صنایع مستظرفه که نیکی و زیبایی‌اش روح ایشان را به هیجان درآورد ستودنی است. (اصالت و زیبایی)
- ۷- در دین زرتشت هر آن چه که داده‌ی خداست پاک و دوست داشتنی است و مسبب جمیع اسباب مادی و معنوی یک وجود مطلق لایتناهی است. از این روست که ماده، داده اهورامزدا و مقدس است. (اصالت ماده تنها از آن جهت که داده اهورامزداست)
- ۸- این آئین برای هر مخلوقی دو بُعد معنوی (مینوگ) و مادی (گتینگ) متصور است. (اعتقاد به وجود ابعاد ملموس و ناملموس)، (اصالت و ارزش‌های ملموس و ناملموس).
- ۹- اشو زرتشت در عین تمیز، روان از تن (بُعد ناملموس از بُعد ملموس) آنها را به هم درآمیخته می‌بیند. (اصالت و تمامیت)، (درآمیختگی بُعد مادی و معنوی یا ابعاد ملموس و ناملموس).
- ۱۰- بر اساس آئین زرتشت در آفرینش، بُعد معنوی از جنس دادن و نشأت و بُعد مادی از جنس ساختن است و مسلم اینکه هر ساختن مستلزم روش ساخت. (اصالت خلق یا منشاء)، (اصالت و روش ساخت)
- ۱۱- بُعد معنوی مقدم بر بُعد مادی است. (اصالت و ارزش)، (رجحان ارزش‌های ناملموس بر ارزش‌های ملموس)
- ۱۲- بُعد معنوی (ایده) جاودانه و ماناست ولی بُعد مادی محدود به زمان و فضا است. (اصالت ایده)، (مانایی ایده و میرایی ماده)
- ۱۳- از آنجایی که طبق قانون اشه، سیر استکمالی بر اثر جاری است، ماده میرا و زوال پذیر است لکن روح یا ایده مانا و پایاست. تغییر شکل دادن ماده علاوه بر زوال، نشان از پویایی آن دارد. (تقدم ایده بر ماده)، (مانایی ایده، پویایی ماده)، (اصالت تغییر).

## ۷. بازشناخت حفاظت از منظر آئین زرتشت

برخلاف واژه اصالت که مصداق لغوی در گاتها و اوستا ندارد، بارها واژه حفاظت و هم‌تایان آن مانند محافظت، مراقبت، نگاهداری، نگاهبانی، پاسداری، حفظ و... در گاتها مشاهده می‌گردد. از این عمیق‌تر در گاتها، عملاً دستورات و فراهای مشخصی برای حفاظت به‌خصوص در حوزه محیط زیست و فلزات وجود دارد. همچنین در کنار این دستورات در گاتها، از اصول اعتقادی زرتشتیان، اعتقاد به امشاسپندان، یا بی‌مرگان مقدس و نیک است. در متون متأخر اوستا، امشاسپندان از موجوداتی غیرمادی یا مینوی مبدل به فرشتگان و ایزدانی شدند که به خداوند در زمین برای گسترش صلح و عدالت یاری می‌رسانند، هر کدام مسؤولیت محافظت از چیزی را بر عهده دارند و دستیاران اهورامزدا را در نگاهبانی از یکی از عناصر و یا پدیده‌های طبیعت یاری می‌کنند. این امشاسپندان عبارتند از سپندمینو به معنی روح فزونی بخش و مقدس نماد اصلی اهورامزدا و روح و اندیشه او به شمار می‌آید. بهمن به معنی اندیشه نیک است که در طرف راست اهورا-مزدا می‌نشیند و تقریباً نقش مشاور او را دارد. وی موکل و پشتیبان حیوانات سودمند در جهان است. با انسان و اندیشه نیک انسان نیز ارتباط دارد چون مظهر خرد آفریدگار است. بهمن اندیشه نیک را به ذهن آدمیان می‌برد و ایشان را به سوی آفریدگار رهبری می‌کند زیرا از طریق اندیشه نیک است که به شناخت دین می‌توان رسید. این امشاسپند مذکر است. اردیبهشت به معنی بهترین اشه است که زیباترین امشاسپندان و نمادی از نظام جهانی قانون ایزدی و نظم اخلاقی در این جهان است. گندم بسامان رشد کرده، سخن درست گفته شده، آئین درست برگزار شده و مفاهیمی از این نوع نشانه‌ای از اردیبهشت دارند. نماینده این جهانی او آتش است. این امشاسپند نیز مذکر است (تسلیمیان، ۱۳۹۴). شهرپور به معنی شهرپاری و سلطنت مطلوب است. او مظهر توانایی شکوه سیطره و قدرت آفریدگار است. او پشتیبان فلزات است و فلزات نماد زمینی او هستند. اوست که در پایان جهان، همه مردمان را با جاری کردن فلز گداخته‌ای خواهد آزمود. این امشاسپند نیز مذکر است. سپندارمذ به معنی اخلاص و بردباری مقدس است. سپندارمذ با نمادی زنانه دختر اورمزد به شمار می‌آید و در انجمن آسمانی در دست چپ او می‌نشیند. او چون ایزدبانوی زمین است، به چهارپایان چراگاه می‌بخشد. زمانی که پارسایان در روی زمین که نماد این جهانی اوست به کشت و کار و پرورش چهارپایان می‌پردازند یا هنگامی که فرزند پارسایی زاده می‌شود، او شادمان می‌گردد و وقتی مردان و زنان بد و دزدان بر روی زمین راه می‌روند آزرده می‌شود. همانگونه که زمین همه بارها را تحمل می‌کند او نیز مظهری از تحمل و بردباری است. خرداد آب را حمایت می‌کند و در این جهان شادابی گیاهان مظهر اوست. این امشاسپند مؤنث است. آرمرداد که به معنی بی‌مرگی و تجلی دیگری از رستگاری و جاودانی است با گیاه و با پژمرده نشدن آن ارتباط دارد. این امشاسپند نیز مؤنث است. خرداد و آرمرداد در متن‌ها معمولاً با هم ذکر می‌شوند و نماینده رویش و زندگی هستند (تسلیمیان، ۱۳۹۴).

وجود این امشاسپندان در آئین زرتشت نشان می‌دهد که به‌دینان به خوبی با مفهوم حفاظت آشنا هستند. افزون بر این، احترام به آفرینش‌های نیک و امشاسپندان و ایزدان حامی آنها سبب می‌شود تا زرتشتیان دور انداختن اشیاء را نیز گناه بشمارند. چنین قوانینی زرتشتیان را می‌توانست به نوعی

صرفه جویی سوق دهد زیرا دور ریختن چیزهای مفید به معنای بی‌احترامی به یکی از عناصر و حامیان آنها و همچنین همدستی با اهریمن و دیوان است (عروج‌نیا و هوشنگی، ۱۳۹۵: ۱۲۱).

براستی اهورا مزدا روا نمی‌دارد که ما هیچ چیز ارزشمندی را که می‌توانیم از آن بهره‌گیریم تباہ کنیم، هر چند ریسمانی باشد که دختری هنگام نخ ریزی به دور می‌اندازد (وندیداد فرگرد پنجم، بخش هشتم، بند ۶۰) (رضی، ۱۳۷۶).

طبیعی است نگاهداشت اشیاء و چیزها، نیاز به پاکسازی و زدودن آلودگی از آنها را در بطن خود دارد لکن آئین زرتشت این امر را به عنوان یک فرض مسلم در نظر نگرفته بلکه به طور مستقیم دستوراتی در این باره صادر نموده است:

مزدپرستان همچنین وظیفه دارند که در صورت دیدن چیزهای آلوده آن را پاک کنند (یسنه، هات ۴، بند ۱۷) (آذرگشسب، ۱۳۸۳).

همچنین مطالعه در آئین زرتشت نشان داد که در این آئین، آبادانی جهان خواست اهورامزدا و نیز زرتشت است و برای انسان، پاداش اخروی در پی دارد زیرا این جهان زشت و شر تلقی نمی‌گردد، بلکه جهانی «خرمی بخش» است که آفریده اهورا به وساطت سپنته‌مینو (خرد مقدس) است و از این رو پارسایان آن را همواره آبادان می‌خواهند. در اوستا آبادانی این جهان حتی هدف رسالت زرتشت دانسته شده است. بر اساس گاتها، خداوند زرتشت را برانگیخت تا جهان را از ویرانی و تباہی نجات دهد و آن را آبادان و شاد سازد. بدین ترتیب رسالت زرتشت و نیز ستایش او از موجودات به معنای نگهداری و نجات آنان از نابودی، فساد، آلودگی و شاد ساختن آنها بود. بدین ترتیب است که تحت تربیت زرتشت، انسان وظیفه دارد با راستی و منش نیک، جهان را که با نیروهای انگره مینوی به زشتی و پلیدی و بدی آلوده شده است پاک کند (عروج‌نیا و هوشنگی، ۱۳۹۵). انسان با این مبارزه هم تمامی جهان و جهانیان را به سوی روشنایی راهبری می‌کند و هم خود رستگار می‌گردد:

اهورامزدا با شهریاری مینوی خویش آنچه از به بهتر است بدان کس می‌بخشد که خواست وی را برآورد و در پایان گیتی آنچه را از بد، بدتر است به کسی می‌دهد که آبادانی جهان نکوشیده باشد (یسنه، هات ۵۱، بند ۶) (آذرگشسب، ۱۳۸۳).

بنابراین در این آئین، هر زرتشتی موظف است تا مطابق با خواست زرتشت و اهورامزدا بر آبادی جهان یعنی بر رامش و شادی آن بیفزاید. از سوی دیگر، آبادانی جهان به معنای مراقبت و حفظ آن در برابر هر نوع آلودگی نیز هست زیرا بنا بر آموزه‌های گاتها آفریده‌های مزدا همه پاک و منزهداند و باید از آنها در برابر نیروهای اهریمنی که برای نابودی جهان می‌کوشند و می‌خواهند تا دست ساخته اهورا را آلوده کنند مراقبت کرد. پاکیزه نگاه داشتن آب، خاک و آتش و حتی فلزات از هرگونه چرک و بیماری و زنگ زدگی و پوسیدگی و کپک و تعفن نیز از وظایف هر زرتشتی است. برای نمونه، فلز عنصری از آسمان تلقی می‌شود که باید فارغ از زنگ و لکه باشد (مزدپور، ۱۳۹۰: ۹۱-۸۹ و ۲۴۴-۲۴۵). حفظ پاکیزگی و مبارزه با آلودگی‌ها فقط شامل امور بیرون از انسان و اشیاء مادی نیست و انسان با پاکسازی خود در جسم و روان راستی و نیک خواهی نیز در دفاع از آفرینش‌های نیک و رستگاری جهان مشارکت دارد. در حقیقت قوانینی که برای تطهیر (پاکسازی) در این آئین وضع شده است و بسیار اهمیت دارد از این اعتقاد نشأت می‌گیرد که گیتی صحنه نبرد بی‌امان در اندیشه و در جهان بیرون میان نیکی (جنبه معنوی) و پاکیزگی (جنبه مادی سپنتامینوی) با بدی (انگره مینوی) است و این مبارزه دائمی یکی از پایه‌های نیرومند تعالیم زرتشتی است. این اعتقاد که خود، نتیجه طبیعی پیوند میان جهان مادی (گیتی) و جهان مینوی و یا مادیات و معنویات در آموزه‌های زرتشت در گاتها است (یسنه، هات ۳۰ بند ۱۱-۳) (آذرگشسب، ۱۳۸۳) و به گونه‌ای پیگیر، همه افراد جامعه را در زندگانی روزمره عملاً درگیر مبارزه با انگره مینو و یا هر گونه آلودگی در هر شکل و صورتی می‌کند و این مبارزه دائمی یکی از پایه‌های نیرومند تعالیم زرتشتی است. از این رو است که مفهوم پاکسازی و زدودن آلودگی‌ها نیز در این آئین، مفهومی دیرینه است. مزدپرستان همچنین وظیفه دارند که در صورت دیدن چیزهای آلوده، آن را پاک کنند (عروج‌نیا و هوشنگی، ۱۳۹۵).

## ۸. فلز و حفاظت از آن در آئین زرتشت

فلز عنصری است که پس از کشف، بسیار مورد توجه واقع شد. عده‌ای از آن در ساخت ابزاری برای آسایش و امنیت در زندگی و عده‌ای در ساخت ابزار و ادوات جنگی از آن استفاده کردند. بر طبق بُندَهش وقتی کیومرث اولین انسان به دست اهریمن نابود شد از تن او هفت‌گونه فلز به وجود آمد (بُندَهش ۷۵) (بهار، ۱۴۰۲)؛ یعنی با مرگ او انواع فلز در زمین به وجود آمد و پیش از آن چنین عنصری هنوز وجود نداشت. شهریور، نام امشاسپند محافظ فلزات است. «شهریور» در اوستا «خشترویریه» و در پهلوی «شهرور» و در فارسی «شهریور» یا «شهریر» به معنای «شهریاری دلخواه» یا «شهریاری آرمانی یا توانایی مینوی آرمانی» یا «آرمان شهر» در ابتدا یکی از فروزه‌های اهورامزدا بوده و در اوستای نو، نام یکی از امشاسپندان است که در جهان مینوی نماد شهریاری و فر و فرمانروایی اهورامزدا است و در گروه سه‌گانه امشاسپندان نرینه «بهمن، اردیبهشت، شهریور» می‌باشد. زرتشتیان نخستین جشن، از جشن‌های هفتگانه آئین زرتشتی را به افتخار شهریور و آفرینش مربوط به او یعنی آسمان برپا می‌داشتند. شهریور در جهان مادی محافظ فلزات است (تسلیمیان، ۱۳۹۴). در بُندَهش می‌خوانیم که:

هر کس فلز را مراقبت کند یا آن را بیازارد موجب آسودگی یا آزدگی شهریور می‌شود (بُندَهش ۱۱) (بهبادی، ۱۳۶۸: ۱۷۱).

اگر کسی درخواستی از شهریور داشته باشد، باید عنصر متعلق به او را پاسداری کند (مزدپور، ۱۳۹۰: ۲۱۵).

## ۸.۱. احکام مرتبط با حفاظت فلز در آئین زرتشت

این ویژگی که فلز در برابر آلودگی نفوذ ناپذیر است مورد توجه دین زرتشتی واقع شده و در مراسم و آیین‌هایی که نیاز به ابزاری پاک و نفوذ ناپذیر هست فلز مورد استفاده قرار می‌گیرد تا ترس از آلوده شدن سایر عناصر وجود نداشته باشد (دوستخواه، ۱۴۰۲: ۱۰۱۶-۱۰۱۵). برای نمونه این که به عنوان مثال زرتشتیان می‌بایست جسد را در تابوتی فلزی باید بگذارند احتمالاً به همین دلیل است که امکان آلوده شدن فلز بسیار دور از ذهن است. همه اشیاء و ظروفی که در مراسم قربانی به کار می‌رفت از فلز ساخته می‌شد. کاردی که در مراسم به کار برده می‌شد باید دارای تیغه و دسته فلزی می‌بود؛ زیرا هر جنس دیگری می‌توانست قابل نفوذ بوده و خوب تطهیر نشود (مزدپور، ۱۳۹۰). انسان در زندگی خود برای مبارزه نیازمند سلاح‌هایی سخت است تا با آنها از خود دفاع کند و سلاح نیز اغلب با انواع فلزات ساخته می‌شد که مورد حفاظت شهرپور هستند. شهرپور کمک و یاری خود را به آدمیان عرضه می‌دارد اما انسان نیز باید در مقابل مراقبت‌هایی را نسبت به فلز رعایت کند. یکی از این مراقبت‌ها در بُندهش چنین آمده است:

روینه و برنجینه باید آنها را همیشه پاک دارند و روشن و نگذارند که زنگ بگیرد. اگر نسا بر آن افتد یا ناپاک شود با شستن پاک می‌شود. هر که اینها را نیکو دارد شهرپور امشاسپند که نگهدار این چیزهاست از آن کس خشنود باشد و اگر نیکو ندارد و بگذارد تا زنگ بگیرد و زنگ بخورد شهرپور امشاسپند از آن کس خشنود نباشد، بدان جهان خصمی او کند (بُندهش ۸۲) (بهزادی، ۱۳۶۸).  
همچنین در کتاب پنجم دینکرد<sup>۲</sup> در مورد روی و برنج، مواردی ذکر شده است:

باید آن را پاک و مراقبت شده به عنوان وسیله کار و پیرایه خوب نگهداری کرد. مخصوصاً باید از دادن تیغ‌ها و هم چنین فلزات دیگر به انیران، غیر ایرانیان، غیر به‌دینان و به کسانی که کارهای خلاف عدالت می‌کنند پرهیز کردن. باید از دفن کردن و بی مصرف و زنگ زده و صیقل نداده نگاه داشتن آن پرهیز کردن و باید از سپردن آن به ناشایستگان که آن را صیقل دهند تا بر آن نقش و نگار کنند پرهیز کردن و باید آن را مطابق آئین نگاهداشتن (آموزگار و تفضلی، ۱۳۹۹: ۲۱-۱۹).

## ۹. مؤلفه‌های حفاظت از منظر آئین زرتشت

مطالب فوق به خوبی روشن می‌دارد که موضوع حفاظت، پاسداری و مراقبت و نیز پاکسازی در این آئین به عنوان یک اصل، مورد توجه بوده و به تفضیل به آن پرداخته شده است. این توجه گاهی در حوزه محیط زیست و طبیعت و گاهی درخصوص ادوات و اشیاء و به‌ویژه فلزات مطرح بوده است. در خصوص فلزات به‌ویژه، پاکسازی آنها از زنگار و آلودگی سفارش شده است. همچنین توصیه به به‌دینان برای صرفه‌جویی حتی به اندازه نخی در دست دختکی در نخریسی، نشان می‌دهد که فرهنگ نگاهداشت اشیاء، ریشه در این آئین کهن دارد. بررسی گات‌ها و آئین زرتشت موارد ارزنده‌ای در خصوص حفاظت آشکار می‌سازد (شکل ۲):

۱- در گات‌ها بارها این واژه و هم تایان آن مانند مراقبت، نگاهداری، نگاهبانی، پاسداری، حفظ و... قابل مشاهده است.

۲- در این آئین برای محافظت از برخی از عناصر و یا پدیده‌های طبیعت، امشاسپندانی بی‌مرگ و مقدس وجود دارند.

۳- پاکسازی و زدودن آلودگی، مفهومی دیرینه در این آئین است و دستوراتی برای آن نیز وجود دارد.

۴- در این آئین، آبادانی جهان خواست اهورامزدا و رسالت زرتشت است. آبادانی جهان به معنای مراقبت و حفظ آن در برابر هر نوع آلودگی نیز هست.  
۵- بر اساس دو اصل پویایی آفرینش (سپنتامینیو) و پویایی پیشرفت (اشه)، تجددخواهی جزء جدا نشدنی از سنت زرتشتی است. در این آئین پیشرفت، صنعتی شدن عمران و آبادانی بوده و هست. هرچند طبق مطالب فوق هر نوع ویرانگری مخالف اشه است لکن با این نگاه، نوسازی و بازسازی خلق‌های پیشین اگر در راستای پیشرفت، عمران و آبادانی باشد پسندیده است (رویگرد به بازسازی و باز زنده سازی).

۶- بر اساس آئین زرتشت ماده از آنجا که داده اهورامزداست مقدس است و همه مردمان می‌بایست در مقام امین، در حفظ آن بکوشند. (تقدس ماده از آن جهت که داده اهورامزداست)، (حفظ ماده در مقام امین).

۷- در این آئین دور انداختن اشیاء گناه و به‌دینان به صرفه‌جویی توصیه شده‌اند. این نگاه رویگرد به نگاهداشت دارد (پرهیز از اسراف، توصیه به حفاظت و نگاهداشت).

۸- دستور پاکسازی فلزات و زدودن آنها از زنگار، یک دستور دینی مشخص در آئین زرتشت است.



شکل ۲. بازشناخت حفاظت از منظر آئین زرتشت.

در متون زرتشتی با بیان روشن و آشکار دستورانی برای پاکسازی، حفاظت، صرفه‌جویی، نگاهداشت و آبادانی صادر شده است و به‌طور مشخص در بازشناخت حفاظت از منظر آئین زرتشت، دستور پاکسازی چیزهای آلوده، وجود امشاسپندان مقدس با وظیفه حفاظت، دستور پرهیز از اسراف و توصیه به نگاهداشت، دستور آبادانی به معنای حفظ در برابر هر نوع آلودگی و به‌طور ویژه دستور پاکسازی فلزات از زنگار صادر شده است.

## ۱۰. بحث

در این مقاله در راستای بازشناخت اصالت و حفاظت از منظر حکمت هنر ایرانی تلاش شد ابتدا به موضوع فلسفه و حکمت در ایران باستان پرداخته و سپس مؤلفه‌های اصالت و حفاظت از بستر این فلسفه استنتاج گردد. برای بررسی فلسفه اصالت در ایران باستان لازم بود فلسفه و حکمت در این دوران مورد مطالعه قرار گیرد و به این سوال اساسی پاسخ داده شود که آیا اساساً می‌توان جریان فلسفی مشخصی در این زمان تعریف نمود؟ مطالعات نشان داد که تاریخ فلسفه ایران باستان را می‌توان دوره بسیار بلندی از سال ۱۵۰۰ ق.م تا سال ۶۵۰ ب.م یعنی از زمان زرتشت تا ورود اسلام به ایران دانست. حکمت و فلسفه‌ای مشخص در ایران باستان جاری بوده که به‌شدت تحت تأثیر آموزه‌های زرتشت قرار گرفته لکن اندیشه زرتشت با پس‌زمینه‌ای از باورهای دینی و اسطوره‌ای مردمان آریایی شکل گرفته است. در حقیقت در دوره ایران باستان، فلسفه در چارچوب و یا در پیوند نزدیکی با جهان‌بینی دین و به‌ویژه دین مزدیسنا سامان یافته است. واژه مزدیسنا معنی «ستایش خرد» را دارد. معانی این کلمه نه تنها تقریباً با فیلسوفیای یکسان است بلکه به‌طور آشکار ارج و اهمیت خرد و دانش در میان ایرانیان باستان را نشان می‌دهد. از آنجایی که زرتشت در گائتها خود را «رتو» (راهنما) می‌نامد و این واژه را درباره اهورامزدا به معنای آموزگار، الگو و یا داور نیز به کار می‌برد و چون از نظر ریشه‌شناسی «رتو» با واژه اوستایی «اشه» (به معنای راستی و یا واقعیت) مرتبط است و می‌توان آن به صورت راهنمای راستی و یا آنکه درست عمل می‌کند، قابل ترجمه است، لذا می‌توان زرتشت را هم به عنوان یک شاعر - فیلسوف دید و هم به عنوان یک پیامبر به معنای راهنمای راستی. به اعتقاد برخی محققین فلسفه زرتشتی از طریق یهودیت وارد اندیشه غربی و در نهایت وارد اندیشه افلاطونی گشته است.

نویسندگان یونانی از قرن چهارم ق.م به بعد ادعا می‌کنند که برخی از مضامین اصلی در تفکر فیلسوفانی چون هراکلیتوس، فیثاغورس و افلاطون از دانشمندان ایرانی نشأت گرفته است. آنها روابط این فیلسوفان با مغان ایرانی را به گونه‌ای توصیف می‌کنند که نشان می‌دهد مبادلات فکری گسترده در این راستا میان آنها رخ داده است. بررسی آئین زرتشت و مطالعه متون این دین نشان داد که در این متون به اصالت در مفهوم مورد نظر این پژوهش پرداخته نشده است و بعید به نظر می‌رسد که کلمه اصل و اصیل در زمان زرتشت کاربرد داشته باشد لکن اگر ارزش و اصول مطرح شده در اصول و آئین دین زرتشت به‌عنوان ارزش‌های واجد اصالت فرض شود، می‌توان اصولی مبنی بر اصالت از آن استخراج نمود. نتایج مطالعات نشان داد که در میان فروزه‌های اهورایی، اشه پس از خرد، نام برده شده است و در گائتها بیش از خرد و همه فروزه‌های دیگر خدایی، از اشه نام برده است. شوربختانه هیچ واژه فارسی که گویای اشه، باشد وجود ندارد، از این رو باید آن را شناخت، به‌کاربرد و شناساند. اشه چکیده دین زرتشتی است. قانون علت و معلول

است که هنجار اهورایی اخلاقی و اجتماعی را در آفرینش سامان می‌دهد. اشه هم قانون طبیعی و هم قانون الهی است. قانونی دگرگونی ناپذیر ازلی و ابدی است. خدا اشه است و اشه خواست (مشیت) خدایی را نشان می‌دهد. بنا به گاتها، خواست اهورا مزدا و اشه یکی است (مهر، ۱۳۸۷: ۶۱). نظام هستی و پیشرفت بنابر قانون دگرگونی ناپذیر اشه، پیوسته در جریان است. در حقیقت در آئین زرتشت اشه، مفهومی عمیق و کلیدی دارد. عمق و معنای این فروزه اهورائی کمک شایانی به استنتاج مؤلفه‌های اصالت در این آئین می‌نماید. به‌طور خلاصه می‌توان گفت:

اشه، نظم الاهی، نظم و قانون راستین است.

اشه، قانون راستی و داد است.

اشه، به معنای راستی، درستی، دادگری و حقیقت است.

اشه، فاضل تمام کلمات نیک است.

اشه، قانون پیشرفت و تکامل است.

اشه، همه چیز را متحد می‌کند و از این رو آن را به کمال می‌رساند.

هیچ کنشی راست نیست مگر آن که با قانون اشه، سازگار باشد.

خلق، کاری خدای‌گونه و منطبق با اشه است.

تجددخواهی، کوشش در راه نو شدن جهان (فرش کرت)، لازمه اشه است.

بر اساس فرض در نظر گرفته شده (در همین پژوهش) و محتوی عمیق فروزه اهورائی اشه، می‌توان مؤلفه‌های اصالت در آئین زرتشت را به صورت اصالت و تداوم (سیر استکمالی)، اصالت و ارزش‌های ملموس و ناملموس، اصالت منشاء، اصالت و تمامیت، اصالت و نظم، اصالت روش ساخت، اصالت تغییر، اصالت ایده و خلاقیت، مفروض داشت. از دیگر سوی رویکرد آئین زرتشت به موضوع خلقت جهان، نکات ارزشمندی را برای ما روشن می‌سازد: جهانی که در ابتدا سه هزار سال به صورت ایده و مُثُل و یا مینوگ وجود داشت سپس وارد مرحله «دادن یا نشأت» و یا «ساختن یا شکل دادن» شده و جهان مادی گیتی خلق شده است. از نظر زرتشت مینوگ و گیتی هر دو واقعیت دارند ولی مینوگ، هستی ابدی دارد در حالی که گیتی تظاهر محدود در زمان و فضا داشته، کوتاه و زودگذر است. این جهان مادی پس از دوازده هزار سال تازه شده و تغییر شکل می‌دهد. جهانی که زرتشت از آن تازه شدن و تغییر شکلش یاد می‌کند، علی‌رغم سیر استکمالی و زوال ماده، همچنان پابرجاست. این پابرجایی نشان از پویایی ماده دارد. بر این اساس ابتدا ایده یا مُثُل شکل گرفته، سپس صورت ماده یافته است. پس می‌توان دریافت که ایده بر ماده مقدم است. از آنجایی که طبق قانون اشه، سیر استکمالی بر اثر جاری است، ماده، میرا و زوال پذیر است لکن روح یا ایده مانا و پایاست. از طرفی تغییر شکل دادن ماده و استمرار آن ماده در گذر زمان، علاوه بر زوال، نشان از پویایی آن دارد.

از دیگر سوی از آنجایی که در فرازهای پیشین بیان شد که در این آئین، انسان همکار خداوند است (هرچند بنا به انتخاب خود می‌تواند این همکاری را نپذیرد) و اعمالش خدای‌گونه لذا خلق و ایجاد از سمت انسان نیز، چنین سیری خواهد داشت. ابتدا ایده خلق اثر در انسان شکل گرفته، سپس این ایده شکل مادی یافته و ساخته می‌شود؛ اما این مرحله پایان کار نیست بلکه اثر یک زندگی ساری و جاری خواهد داشت و سیر تکاملی خود را طی می‌نماید. در طی مسیر چون ماده فانی و میرا است و از طرفی حرکت در جهت خلاف آبادانی یعنی ویران شدن، در این آئین نکوهیده است علی‌رغم تغییر ماده اولیه، روح، ایده و کاربری اثر، در جهت خدمت‌رسانی به خلق و آبادانی زمین و شاد ساختن مخلوقات اهورامزدا، باید حفظ گردد. لذا این ماده فانی برای بقاء نیاز به پاکسازی، تجدید و نگاهداشت خواهد داشت. پس علی‌رغم علم به سیر استکمالی و زوال ماده، با این روش، خلق پویایی ماده صورت می‌گیرد. از طرفی دو اصل پویایی آفرینش (سپنتامینیو) و پویایی پیشرفت (اشه)، تجددخواهی را جزء جدا نشدنی از سنت زرتشتی نموده‌اند. در این آئین پیشرفت، صنعتی شدن عمران و آبادانی بوده و هست و هر نوع ویرانگری مخالف اشه است لکن با این نگاه، نوسازی و بازسازی خلق‌های پیشین اگر در راستای پیشرفت، عمران و آبادانی باشد پسندیده است. پذیرش انجام این امور (پاکسازی، حفظ، تجدید و...) از سوی به‌دینان راهی است برای اشون شدن و رستگاری.

مسیر ترسیم شده در سطور فوق به روشنی تقدم ایده بر ماده، مانائی ایده، پویایی ماده و اصالت تغییر را نشان داد. از آنجایی که بر خلاف بعضی دیگر از ادیان تجددخواهی که در راستای عمران و آبادانی باشد جایز و پسندیده است، در این آئین پویایی ماده رَقم می‌خورد. با این رویکرد است که در این آئین می‌توان دست به بازسازی و باز زنده‌سازی آثار زد. مشخص است در راستای چنین رویکردی امر حفظ و نگاهداشت ماده، امری ارزشمند و لازم‌الاجراست. زرتشت نیز با علم به این ضرورت آئینی، در خصوص حفاظت آموزه‌های ارزشمندی برای پیروان خود ارائه نموده است.

برخلاف واژه اصالت و مفاهیم پیرامون آن، در گاتها بارها به واژه حفاظت و هم‌تایان آن مانند محافظت، مراقبت، نگاهداری، نگاهبانی، پاسداری، حفظ و... اشاره شده است. از این عمیق‌تر در گاتها، عملاً دستورات و فزارهای مشخصی برای حفاظت بخصوص در حوزه محیط زیست و فلزات وجود دارد. همچنین در متون متأخر اوستا، از امشاسپندان یاد شده که هر کدام مسؤلیت محافظت از چیزی را بر عهده دارند. افزون بر این، احترام به آفرینش‌های نیک و امشاسپندان و ایزدان حامی آنها سبب می‌شد تا زرتشتیان دور انداختن اشیاء را نیز گناه بشمارند. چنین قوانینی زرتشتیان را به نوعی صرفه‌جویی سوق می‌دهد زیرا دور ریختن چیزهای مفید به معنای بی‌احترامی به یکی از عناصر و حامیان آنها و همچنین همدستی با اهریمن و دیوان

است. طبیعی است نگاهداشت اشیاء و چیزها، نیاز به پاکسازی و زدودن آلودگی از آنها را در بطن خود دارد اما آئین زرتشت این امر را به عنوان یک فرض مسلم در نظر نگرفته بلکه به‌طور مستقیم دستوراتی در این باره صادر نموده است. همه افراد جامعه در زندگانی روزمره عملاً درگیر مبارزه با انگره‌مینو و یا هرگونه آلودگی در هر شکل و صورتی هستند و این مبارزه دائمی یکی از پایه‌های نیرومند تعلیم زرتشتی است. از این رو است که مفهوم پاکسازی و زدودن آلودگی‌ها نیز در این آئین، مفهومی دیرینه است. مزدپرستان همچنین وظیفه دارند که در صورت دیدن چیزهای آلوده، آن را پاک کنند (عروج‌نیا و هوشنگی، ۱۳۹۵). همچنین به اعتقاد به‌دینان، خداوند زرتشت را برانگیخت تا جهان را از ویرانی و تباهی نجات دهد و آن را آبادان و شاد سازد. بدین ترتیب رسالت زرتشت نگرهبانی و نجات انسان و پدیده‌ها از نابودی، فساد، آلودگی و شاد ساختن آنها بود. آبادانی جهان به معنای مراقبت و حفظ آن در برابر هر نوع آلودگی است و پاکیزه نگاه داشتن آب خاک و آتش و حتی فلزات از هرگونه چرک و بیماری و زنگ زدگی و پوسیدگی و کپک و تعفن از وظایف هر زرتشتی است. برای نمونه، فلز عنصری از آسمان تلقی می‌شود که باید فارغ از زنگ و لکه باشد. مطالعات نشان داد که در متون زرتشتی با بیان روشن و آشکار دستوراتی برای پاکسازی، حفاظت، صرفه‌جویی، نگاهداشت و آبادانی صادر شده است و به‌طور مشخص در بازساخت حفاظت از منظر آئین زرتشت، دستور پاکسازی چیزهای آلوده، وجود امشاسپندان مقدس با وظیفه حفاظت، دستور پرهیز از اسراف و توصیه به نگاهداشت، دستور آبادانی به معنای حفظ در برابر هر نوع آلودگی و به‌طور ویژه دستور پاکسازی فلزات از زنگار صادر شده است. آنچه که در این پژوهش گذشت و در اشکال ۱ و ۲ به اختصار نشان داده شد، استنتاجی است در بازساخت اصالت و حفاظت از منظر حکمت و فلسفه ایران باستان و حاکی از آن است که در ایران باستان، سنگ محکی به نام «اشه» برای انجام امور در مسیر درست و رستگاری وجود داشته است. آبادانی جهان، رسالت زرتشت و هم‌کیشان وی، حفاظت بخصوص در زمینه محیط زیست پیرامون (طبیعت و آنچه در آن وجود دارد مانند بناهای تاریخی) و اشیاء از دستورات روشن آن بوده است. این دستورات چنان در جان رهروان این آئین نشست بود که شاهان ایران باستان در کتیبه‌های خود به خلق یک اثر در راه خدمت رسانی و آبادانی جهان مفتخر بوده، نه تنها اثر را در زمان خود حفظ می‌کرده بلکه آیندگان را نیز نسبت به تخریب آن نهیب زده و برای حفظ کنندگان طلب خیر و فرونی می‌نموده‌اند (رجوع شود به ص ۵ ترجمه کتیبه داریوش در بهستان).

## ۱۱. نتیجه‌گیری

بازساخت اصالت و حفاظت از منظر فلسفه ایران باستان (آئین زرتشت) نکات قابل‌ذکری را نشان می‌دهد. در این رویکرد فلسفی به تداوم و سیر استکمالی توجه ویژه شده است. ارزش‌های ملموس و ناملموس شناخته و تفکیک شده است و ارزش‌های ناملموس بر ارزش‌های ملموس مرجح هستند. هرچند در آئین زرتشت ماده از جانب اهورا مزدا و مقدس است لکن این تقدس از جنس ناپاک و نجس ندانستن است و نه ماده پرستی. در خصوص تمامیت می‌توان گفت تمامیت مد نظر آئین زرتشت نیز تن و روان را در هم آمیخته می‌داند و بر اساس اشه که وحدت بخش و یکپارچه کننده است یکپارچگی اثر، در مسیر اشه قرار گرفتن آن را نشان می‌دهد. همچنین نشأت دادن و ساختن، سنت‌الهی و دارای اصالت تلقی می‌گردد. از دیگر نکات غیر قابل اغماض این رویکرد فلسفی، توجه ویژه به امر حفاظت است. چنانچه در آئین زرتشت امشاسپندان نگهبان و دستورات ویژه برای حفاظت و پاکسازی و مراقبت و نگاهداشت وجود دارد و نیز در آئین زرتشت دستورات مشخصی برای پاکسازی و حفظ بیان شده است. همچنین در خصوص زیر نظر گرفتن اشیاء و پدیده‌ها و مانع از آسیب شدن آنها، حفاظتی که تداوم اثر را تضمین نماید، مباحث قابل‌اتکایی در این رویکرد فلسفی وجود دارد. حتی در آئین زرتشت، حفاظت از محیط زیست به مدرن‌ترین حالت آن مورد توصیه و توجه قرار گرفته است.

## سپاسگزاری

نویسنده از آقای دکتر وطن‌دوست که راهنمایی این پژوهش را به عهده داشته و از دانشگاه هنر ایران تشکر و قدردانی می‌نماید.

## تضاد منافع

هیچ گونه تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله وجود ندارد.

## حمایت مالی

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده است که به راهنمایی دکتر وطن‌دوست و با عنوان بازساخت اصالت در مداخلات حفاظتی مرمتی از منظر حکمت هنر ایرانی - اسلامی در دانشگاه هنر ایران انجام است.

## پی‌نوشت‌ها

۱. مارتین هوگ - Martin Haug یا هاوگ به آلمانی، متولد ۳۰ ژانویه ۱۸۲۷ - متوفی ۳ ژوئن ۱۸۷۶، خاورشناس آلمانی بود. این دانشمند متوجه شد که نویسنده گاهان تنها از یک خدا نام می‌برد و با برخی نیایش‌ها مخالف است. او زرتشت را پیامبر یکتاپرستی معرفی کرد. بسیاری از نوشته‌های او درباره ادبیات ایران و هند پس از مرگ او به چاپ رسید.

۲. دکتر اشک دالن - Ashk Peter Dahlen از چهره‌هایی است که طی سال‌های اخیر سعی کرده در حوزه ایران‌شناسی به‌صورت جدی و هدفمند تحقیقات خود را ادامه و گسترش دهد. وی در این زمینه پاسخ‌هایی را ارائه نموده است. او فارغ‌التحصیل دکتری در رشته‌های زبان‌های ایرانی دانشگاه ایالا در سوئد (۱۳۸۰) و از سال ۱۳۹۳ تا اکنون استادیار زبان‌های ایرانی در دانشگاه افسالا است.

۳. البته نباید فراموش کنیم که در اندیشه برخی فیلسوفان یونانی مانند فیثاغورس، امپدوکلس و افلاطون نیز پیوندی نزدیک میان فلسفه و تعقل دینی وجود دارد.

۴. نویسندگان کلاسیک یونان او را احياناً شاگرد مکتب زرتشت دانسته‌اند.

۵. این دوازده هزار سال اول به چهار دوره (سیکل) بخش می‌شود. بخش اول که سه هزار سال باشد همان دوره جهان فروهری است. دوره دوم جهان مادّی پدید آمده بدون آن که در آن بدی و انگره‌مینو باشد. اهورامزدا با سپنتامینو و امشاسپندان چیزهای نیک و سودمند آفرید. در آغاز سومین دوره انگره‌مینو به آفریده‌های خوب یورش برد و برایشان ویرانگری و مرگ پدید آورد. در این دوره انگره‌مینو که نادان و دیر انتقال است تازه متوجه وجود اهورامزدا و خوبی‌ها شد. در این دوره خوبی و بدی با هم در آمیخته و این همان دوره‌ای است که ما در آن هستیم و در این دوره است که آدمیان باید با سپنتامینو همکاری کنند تا انگره‌مینو را شکست دهند. دوره چهارم هنگامی آغاز می‌شود که نیکی و راستی (سپنتامینو) بر بدی و دروغ (انگره‌مینو) پیروز شده است و جهان یکپارچه نیکویی و داد است. این را دوره و یا نو شدن جهان فرس گرد می‌خوانند (مهر، ۱۳۸۷: ۴۸).

۶. آموزگار و تفضلی، نخست این دفتر را در پاریس و به زبان فرانسوی به چاپ رساندند. پنج سال پس از آن، آموزگار آن را با برگردان فارسی و پاره‌ای ویرایش‌ها، در تهران به چاپ رساند.

## منابع

- آذرگشسب، فیروز. (۱۳۸۳). *گاتها: سروده‌های زرتشتی*. تهران: فروهر.
- آموزگار، ژاله، و تفضلی، احمد. (۱۳۹۹). *کتاب پنجم دینکرد*. تهران: معین.
- ایرانی، دینشاه. (۱۳۱۱). *فلسفه ایران باستان*. بمبئی: هور.
- ایرانی، دینشاه. (۱۳۴۴). *اخلاق ایران باستان*. بمبئی: اقناع.
- بلخاری، حسن. (۱۴۰۰). *کتاب در باب زیبایی، زیبایی‌شناسی در حکمت اسلامی و فلسفه غربی*. تهران: دانشگاه تهران.
- بهار، مهرداد. (۱۴۰۲). *بندهش*. تهران: توس.
- بهزادی، رقیه. (۱۳۶۸). *بندهش هندی: متنی به زبان پارسی میانه*. تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی.
- تسلیمیان نرجس. (۱۳۹۴). *طبیعت در دین زرتشتی*. رساله کارشناسی ارشد، منتشر نشده، دانشگاه فردوسی مشهد. دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری.
- دوستخواه، جلیل. (۱۴۰۲). *اوستا کهن‌ترین سروده‌های ایرانیان*. تهران: مروارید.
- دین‌پرست، منوچهر. (۱۴۰۲الف). *فلسفه در ایران باستان، آغاز و انجام (گفت‌وگو با اشک دالن)*. *اطلاعات حکمت و معرفت*، ۱۸ (۱)، ۴۲-۴۹. <https://www.magiran.com/p2573649>
- دین‌پرست، منوچهر. (۱۴۰۲ب). *فلسفه در ایران باستان؛ نور و وحدانیت (گفت‌وگو با اشک دالن)*. *اطلاعات حکمت و معرفت*، ۱۸ (۲)، ۶۰-۶۴. <https://www.magiran.com/p2619496>
- رضی، هاشم. (۱۳۷۶). *وندیداد*. تهران: فکر روز.
- سامی، علی. (۱۳۴۷). *حکمت و فلسفه در ایران باستان*. هنر و مردم، ۶۹، ۱۳-۲۰.
- طالبیان، محمدحسن. (۱۳۸۴). *نقش مفهوم اصالت در حفاظت محوطه‌های میراث جهانی (تجاریبی از دورانتاش برای حفاظت مبتنی بر اصالت)*. رساله دکتری منتشر نشده، دانشگاه تهران. تهران، ایران.
- عروج‌نیا، پروانه، و هوشنگی، لیلیا. (۱۳۹۵). *متون دینی زرتشتی و محیط‌زیست: نقش انسان در آبادانی زمین و طبیعت*. *پژوهشنامه ادیان*، ۱۰ (۲۰)، ۱۱۱-۱۳۱. <https://sid.ir/paper/190187/fa>
- فلیک، اووه. (۱۳۸۵). *درآمدی بر تحقیق کیفی (هادی جلیلی، مترجم)*. تهران: نی.
- مزدایور، کتابون. (۱۳۹۰). *شایست و ناشایست، متنی به زبان فارسی میانه (پهلوی ساسانی): آوانویسی و ترجمه*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مهر، فرهنگ. (۱۳۸۷). دیدی نواز دینی کهن (فلسفه زرتشت). تهران: جامی.

نظارتی‌زاده، منصوره. (۱۴۰۳). بازشناخت اصالت در مداخلات حفاظتی - مرمتی از منظر حکمت هنر ایرانی - اسلامی. رساله دکتری منتشر نشده، دانشگاه هنر تهران. تهران، ایران.

Boyd, J. W., & Donald, A. (1979). Is Zoroastrianism dualistic or monotheistic?. *Journal of the American Academy of Religion*, 47(4), 557-588. <https://doi.org/10.1093/jaarel/XLVII.4.557>

Kent, R. G. (1953). *Old Persian: Grammar, texts, lexicon* (Vol. 33). American Oriental Society.

Malandra, W. W. (Ed.). (1983). *An introduction to ancient Iranian religion: Readings from the Avesta and Achaemenid inscriptions* (Vol. 2). University of Minnesota Press.

Skjærvø, P. O. (2005). *Introduction to Zoroastrianism*. Harvard University Press.

Thomas, G. (1997). What's the use of theory?. *Harvard Educational Review*, 67(1), 75-105. <https://doi.org/10.17763/haer.67.1.1x807532771w5u48>

نظارتی‌زاده، منصوره (۱۴۰۳). بازشناخت اصالت و حفاظت از منظر حکمت فلسفه ایران باستان (آئین زرتشت). میراث جنوب غربی آسیا، ۱(۲)، ۲-۱۴.

<https://doi.org/10.22034/hsaj.2025.549404.1006>